

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیپ شناسی روابط زوجین

مؤلفین: لیلایا ترابیان
فریده عامری

بهار ۱۳۹۱

سرشناسه	: ترابیان، لیلا، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: آسیب‌شناسی روابط زوجین / مؤلفین لیلا ترابیان، فریده عامری.
مشخصات نشر	: تهران: زبان دانشجو، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۶ ص.
شابک	: 978-600-6312-01-9 ۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا	
موضوع	: زناشویی -- جنبه‌های روان‌شناسی
موضوع	: خیانت -- جنبه‌های روان‌شناسی
شناسه افزوده	: عامری، فریده، ۱۳۴۰ -
رده‌بندی کنگره	: HQ۷۴۳/ت۳۶آ۵ ۱۳۹۱
رده‌بندی دیویی	: ۱۵۵/۶۴۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۷۹۴۷۱۳



انتشارات زبان دانشجو
نشر و پخش کتابهای دانشگامی

نام کتاب:	آسیب‌شناسی روابط زوجین
مؤلف:	لیلا ترابیان - فریده عامری
ناشر:	انتشارات زبان دانشجو
چاپ اول:	۱۳۹۱
تیراژ:	۱۰۰۰ جلد
چاپ متن:	اندیشه جوان
قیمت:	۵۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۶۳۱۲-۰۱-۹ ISBN: 978-600-6312-01-9

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

فهرست

پیشگفتار	۷
فصل اول	۱۷
۱-۱- تعاریف مختلف بی وفایی	۱۷
۱-۲- انواع بی وفایی	۲۳
۱-۲-۱- اجتناب از تعارض	۲۳
۱-۲-۲- اجتناب از صمیمیت	۲۳
۱-۲-۳- فردی (وجودی یا رشدی)	۲۴
۱-۲-۴- اعتیاد جنسی / پارافیلیایی	۲۶
۱-۲-۵- روابط فرازنشویی تصفیه ساز (تسهیل کننده)	۲۷
۱-۲-۶- روابط اتفاقی و جزئی	۲۸
۱-۲-۷- زن دوست بودن	۳۰
۱-۲-۸- مجازات	۳۱
۱-۲-۹- تارضانی از ازدواج	۳۱
۱-۲-۱۰- روابط فرازنشویی خروجی	۳۳
۱-۲-۱۱- زندگیهای موازی	۳۳

- ۱۲-۲-۱- روابط فرازنشویی آنلاین: ۳۴
- ۱-۲-۱۲-۱- تأثیرات روابط فرازنشویی آن لاین و هرزه نگاری بر روابط زنشویی: ۳۹
- ۱۳-۲-۱- روابط فرازنشویی وسیله ای (سودمند گرایانه) : ۴۲
- فصل دوم ۴۵
- ۲-۱- مراحل بی وفایی و روابط فرازنشویی : ۴۵
- ۲-۱-۱- مرحله اول : ۴۵
- ۲-۱-۲- مرحله دوم: اقدام به آشنایی و ارتباط عاطفی : ۴۶
- ۲-۱-۳- مرحله سوم : عمیق شدن روابط عاطفی و ایجاد ارتباط جنسی : ۴۷
- ۲-۱-۴- مرحله چهارم: شدت ارتباط و مطلع شدن همسر : ۴۷
- فصل سوم ۴۹
- ۳-۱- علل بی وفایی و روابط فرازنشویی : ۵۰
- ۳-۱-۱- عدم ارضای نیازها: ۵۰
- ۳-۱-۲- نگرشهای سهل گیرانه نسبت به مسائل جنسی : ۵۲
- ۳-۱-۳- نارضایتی زنشویی : ۵۳
- ۳-۱-۴- نارضایتی جنسی زوجین : ۵۷
- ۳-۱-۵- سبک دلبستگی : ۶۱
- ۳-۱-۵-۱- دلبستگی ، بی وفایی: ۶۳
- ۳-۱-۵-۲- دلبستگی و واکنش افراد به بی وفایی و روابط فرازنشویی: ۶۸
- ۳-۱-۵-۳- دلبستگی مختل ، وسواس های عشقی : ۷۵

۳-۱-۶- شخصیت : ۷۷

۳-۱-۶-۱- شخصیت و جنسیت ۹۱

۳-۱-۶-۲- رابطه شخصیت نارسیت و روابط فرازناشویی : ۹۵

۳-۱-۷- یادگیری و تکرار الگوهای خانوادگی : ۹۵

فصل چهارم ۹۹

۴-۱- بررسی نقش مذهب و متغیرهای دموگرافیک ۹۹

۴-۱-۱- مذهب : ۹۹

۴-۱-۲- تفاوت‌های جنسی و بی وفایی ۱۰۵

۴-۱-۳- سطح تحصیلات و بی وفایی ۱۰۸

فصل پنجم ۱۱۱

۵-۱- نگرشهای متفاوت نسبت به بی وفایی ۱۱۱

۵-۲- واکنش متفاوت نسبت به بی وفایی ۱۱۲

۵-۳- شیوع و پیامدها : ۱۱۷

۵-۴- آسیب های بی وفایی ۱۲۰

پیشگفتار:

ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و مشکلات سلامت جامعه به نوعی در ارتباط تنگاتنگ با کارکرد نامناسب و عدم سلامت نهاد خانواده است. تعارض‌های شدید در افراد، اختلال در رفتارهای فردی و اجتماعی، خشونت، اعتیادهای مدرن و سنتی، خودکشی و طلاق، بیماری‌های اخلاقی و رفتارهای ناسالم جنسی، ریشه در فضای ناسالم و آشفته فرهنگی - تربیتی خانواده دارد.

یکی از آشفتگی‌هایی که متأسفانه دنیا در سالهای اخیر شاهد آن است، روابط فرازناشویی می‌باشد. بحث در زمینه روابط فرازناشویی مفصل است، بسیاری علل عمده این مشکل را نارضایتی از روابط زناشویی و گروهِی عدم ارضای نیازهای عاطفی ذکر کرده‌اند، بعضی اعتیاد جنسی، تنوع‌طلبی، ناتوانی در کنترل وسوسه‌ها (مشکلات کنترل تکانه) و اعتیاد به مواد را در انحراف افراد مؤثر دانسته‌اند.

متأسفانه امروزه اینترنت نیز به عوامل تهدید کننده روابط زوجین اضافه گردیده است. باید گفت خطرات روابط مجازی کمتر از روابط واقعی برای زندگی مشترک نیست. تحقیقات در مورد افراد متأهلی که اقدام به چنین روابط مجازی

نموده‌اند، نشان می‌دهد، که سبک‌های شخصیتی و دلبستگی آنان با سطح بالایی از اضطراب اجتماعی، وسواس عملی، بی‌ثباتی، افسردگی همراه است. علائمی از خودشیفتگی، سطح پائینی از وجدان‌گرایی، و سبک دلبستگی ناایمن در آنان مشهود است.

بدیهی است بسیاری از چالشهایی که افراد را در زندگی گرفتار می‌کند، توان فکری، روانی و عملکردی او را به تحلیل می‌برند. در واقع این مشکلات، محصول ناآگاهی، غفلت و یا به کارگیری شیوه‌های نادرست افراد در زندگی خانوادگی و اجتماعی است. چگونگی واکنش انسان در برابر جریان زندگی و مسائل متعدد آن عمدتاً نتایج قابل پیش‌بینی و در عین حال قابل پیشگیری را به بار می‌آورد. چگونگی استفاده از فرصت‌ها و زمان‌ها، قابلیت‌ها و موقعیتها، انتخاب الگوی زندگی، هشیاری یا غفلت و ناآگاهی افراد سهم اساسی بر کیفیت سلامت و بالندگی زندگی آنان خواهد داشت. بدون تردید نقش و مسئولیت انسان در مشکل‌آفرینی و مسأله‌سازی برای خود و دیگران امری جدی و در عین حال نگران‌کننده است. باید اذعان کرد که بسیاری از فشارها و گرفتاریهای ما در زندگی قابل درک، مدیریت و کنترل هستند، در صورتی که آگاهانه، منصفانه، صادقانه و متعهدانه برخورد کنیم و خدا را همواره ناظر و حاکمی دقیق بر رفتار و اعمالمان بدانیم.

در زمینه موضوع مورد بحث کتاب حاضر، باید اذعان نمود که مسائل تربیتی و فرهنگی نقش چشمگیری در بروز یا عدم بروز مسائل فرازناشویی دارد. تحقیقات

نشان داده است، کودکانی که به لحاظ فرهنگی و اجتماعی در معرض سطح بالایی از استرس مانند فرزندپروری نامناسب، محیط تنبیه گرانه و مشکلات اقتصادی قرار دارند، با سبک دلبستگی نامناسب و بلوغ زودرس مشخص می گردند و سطح پائین سرمایه گذاری هیجانی و دلبستگی ناایمن آنها پیش بینی کننده روابط زناشویی کوتاه مدت می باشد. آموزشهای مذهبی، مراقبت دلسوزانه و منابع حمایتی باعث می گردد، افراد به لحاظ هیجانی تمایل بیشتری به سرمایه گذاری عاطفی در روابط بین فردی داشته باشند. این عشق و علاقه در روابط بین فردی، ناشی از دلبستگی ایمن والد-کودک است که منجر به بلوغ جنسی مناسب، تعهد و وفاداری طولانی به همسر می گردد. کیفیت دلبستگی به والدین و الگوی فعال درونی، مبنایی برای برقراری ارتباط با دیگران است.

تحقیقات متعدد تأثیر سیستم های اعتقادی را در تحکیم انسجام خانواده اثبات کرده است. یافته ها (ماتینگلی و همکاران، ۲۰۱۱)، حاکی از آن است که پایبندی به اخلاقیات و مذهب در ارتباطات، حل تعارض، تصمیم گیری، میزان تعهد زوجین، فعالیت های جنسی و شیوه های فرزندپروری مؤثر است. اعتقادات مذهبی منجر به افزایش همدلی، ارتباطات و کاهش خودمحوری شده، بنابراین در جلوگیری از شکل گیری روابط فرازناشویی نقش چشمگیر دارد. زمینه های مذهبی و معنوی عامل قوی در پیشگیری از این روابط است. آمارها در غرب نشان می دهد که ۲۵٪ تا ۵۰٪ (مارک، و همکاران، ۲۰۱۱)، از طلاق ها به دلیل روابط فرازناشویی است. خوشبختانه در کشورهای شرقی و ایران این مشکل کم رنگ تر است. با مروری در

فرهنگ بومی خود مشاهده می‌کنیم که در فرهنگ اسلامی این روابط به شدت منع شده و از دید قوانین اسلامی فرد متأهل مرتکب این خطا مستحق شدیدترین مجازات می‌باشد. زیرا وجود بی‌وفایی در ازدواج موجب ضربه‌های شدید و جبران‌ناپذیری به خانواده شده و مجازات‌ها به عنوان عامل بازدارنده‌ای در مقابل این گناه غیرقابل بخشش، در جهت حفظ کیان خانواده وضع گردیده است، تا حریم و حرمت خانواده‌ها خدشه‌دار نگردد.

دکتر فریده عامری.

عضو هیأت علمی گروه

روانشناسی دانشگاه الزهراء.

مقدمه

مرد و زن به عنوان دو عنصر مکمل یکدیگر مظهر یکی از نهادهای اساسی و بنیانهای هستی بخش عالم امکان می باشند. ازدواج این دو از انقراض نسل آدمی جلوگیری می کند و مفهوم پر محتوای خانواده را معنی می بخشد. خانواده پناهگاه انسان اجتماعی است، مأمنی که به دلخواه برگزیده می شود تا جایی برای سکون و آرامش باشد. راز تداوم حیات خانواده به عواملی بستگی دارد که این عوامل با معیارها و هنجارهای دیگری چون سنتها، مذهب و اقتصاد درمی آمیزد و ساختاری تشخص یافته را برای هر جامعه ای به وجود می آورد. اولین نقش و وظیفه هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط زن و مرد بر پایه اصول و منطق است، زیباترین و انسانی ترین شکل این قانونمندی

ازدواج می باشد.

انسان موجودی اجتماعی می باشد. بنابراین ارتباط با افراد دیگر عموماً بخش عمده ای از زندگی افراد را تشکیل می دهد. افراد در اقدام به همسرگزینی به دنبال ایجاد یک رابطه صمیمانه منحصر به همسر

خود می‌باشند. ازدواج باعث می‌گردد که، انواع لذت‌های جنسی در محیط و درون خانواده شکل گیرد و از این طریق آرامش روحی و روانی و پیوندهای عاطفی نیز برقرار بماند. هدف از تشکیل خانواده ایجاد آرامش و بالا بردن درصد سلامت روان افراد است. پژوهش‌ها حکایت از افزایش میزان سلامت روان در افراد متأهل دارند. تقریباً تمامی افراد متأهل، انتظار دارند همسرشان از نظر جنسی و احساسی به آنها وفادار باشد.

نقش خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی یا کارکردهای مختلف آن، می‌تواند هم در جنبه مثبت آن یعنی ایجاد کانون آرامش و هم در جنبه منفی‌اش یعنی ایجاد آسیب اجتماعی، بسیار مهم و تأثیرگذار باشد. وجوه منفی پدید آمده از درون این نهاد است که آثار مخرب آن در ابعاد اجتماعی، فوق‌العاده زیاد بوده و موجب ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی بسیاری می‌شود. کارکردهای (مثبت و منفی) خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماع، تأثیرات مختلفی، در اجتماع به همراه خواهد داشت. یکی از کارکردهای منفی خانواده در دهه اخیر مسئله بی‌وفایی، روابط فرازناشویی و کمرنگ شدن تعهدات زوجین نسبت به یکدیگر می‌باشد. بی‌وفایی و بی‌تعهدی نسبت به همسر، عامل از هم‌گسیختگی و نیز زایل‌کننده کارکرد مثبت خانواده است. بی‌وفایی و نقض تعهدات زناشویی در نهایت منجر به ابتدال، فروپاشی و طلاق بین زوجین می‌گردد. بسیاری از افراد با شنیدن کلمه بی‌وفایی و روابط فرازناشویی، نارضایتی زناشویی را به عنوان عمده‌ترین عامل شکل‌گیری روابط

فرازناشویی قلمداد می‌نمایند. همانطور که می‌دانیم، در جامعه ما بسیاری از زوجینی که به ظاهر در کنار یکدیگر زندگی می‌نمایند رضایت کافی از این روابط صوری ندارند، و به دلیل مسائل فرهنگی، مذهبی، قانونی، اقتصادی، بسیاری از افراد ناراضی، ترجیح به ادامه روابط زناشویی می‌دهند. بنابراین چنین افرادی اقدام به حفظ و تداوم ازدواج می‌نمایند، در حالیکه رضایت کافی از روابط زناشویی ندارند. اما در چنین ازدواجی نیازهای روانی افراد ناکام باقی می‌ماند و طرفین قادر به تامین نیازهای عاطفی یکدیگر نمی‌باشند. در این میان عده ای از این افراد سعی می‌نمایند که با برقراری روابط فرازناشویی اقدام به پر نمودن خلاءهای موجود در روابط کنونی نمایند، و از درون این روابط ناخشنود کننده مسائلی مانند بی‌وفایی زوجین، تمایل می‌گردد. از دید این افراد چنین روابطی می‌تواند نیازهای عاطفی ارضا نشده آنها را تامین نماید.

البته موضوع روابط فرازناشویی تنها به زوجین ناسازگار و ناراضی مربوط نمی‌گردد، به طوری که در پژوهش گلاس و رایت، (۱۹۸۵)، نیز اثبات شده است که ۵۶٪ مردان و ۳۴٪ زنانی که اقدام به روابط فرازناشویی نموده‌اند، ازدواجهای موفق‌تری داشته‌اند و رضایت زناشویی بالایی را گزارش داده‌اند (ویتمن^۱، میشل^۲ و همکاران، ۲۰۰۴).

۱. Whitman

۲. Mitchell

به عبارت دیگر روابط فرازنشویی تنها به زوجین ناسازگار با رابطه زناشویی ناخوشایند محدود نمی‌گردد، بلکه افرادی با روابط زناشویی خوشایند و ارضا کننده نیز، اقدام به این عمل می‌نمایند. با این حال چرا حتی برخی از افرادی که زندگی و رابطه زناشویی خوشایندی دارند اقدام به روابط فرازنشویی می‌نمایند؟

از دید بسیاری از صاحب‌نظران، روابط فرازنشویی و بی‌وفایی یک امر پیچیده است و در عین حال عوامل مختلفی می‌تواند زمینه ساز آن باشد. بنابراین نمی‌توان در مورد عوامل زمینه ساز این روابط نتیجه گیری خطی نمود. باید بدانیم که پدیده ای مانند بی‌وفایی و روابط فرازنشویی بسیار پیچیده و با عوامل مختلفی در ارتباط می‌باشد.

روابط فرازنشویی، یکی از دلایل اصلی طلاق زوجین (باس و شاکلفورد، ۱۹۹۷) و موضوعی اصلی برای زوج درمانگران در کار بالینی (بلو^۱، هارنت^۲، ۲۰۰۵) است، اما اطلاعات کمی از افراد مستعد و زمینه‌های افزایش بی‌وفایی وجود دارد (باس و شاکلفورد، ۱۹۹۷). به عبارت دیگر، با اینکه یکی از علل اصلی طلاق و درگیری‌های زناشویی، روابط فرازنشویی می‌باشد، اطلاعات اندکی درباره اینکه کدام اشخاص آمادگی بیشتری به روابط فرازنشویی دارند، موجود می‌باشد. آمارها نشان می‌دهد که در طول زندگی مشترک برخی از همسران مرتکب

۱. Blow.A.J

۲. Hartnet.K

خیانت به همسر خود می شوند. روابط فرازنشویی مشکل عمده ای برای بسیاری از زوجین است و برآورد شده است که ۲۶-۷۰٪ زنان و ۷۷-۳۳٪ مردان متأهل در طی زندگی اقدام به بی‌وفایی می‌نمایند (پلات^۱، نالبون^۲، کازانوا^۳، ویچلر^۴، ۲۰۰۸).

افزایش روزافزون خانواده‌هایی که بر اثر چنین پدیده ای دچار بحران شدید می‌گردد، بیانگر ضرورت تفکر و اقدامات موثر در جهت جلوگیری از اضمحلال خانواده ها می باشد.

تحقیقات نشان داده است که در ازدواج‌هایی که یکی از زوجین دست به روابط فرازنشویی می‌زند احتمال طلاق افزایش می‌یابد و افرادی که به قصد ازدواج با فرد دیگری، همسر پیشین خود را طلاق داده اند از کرده خود پشیمان می‌گردند (اگن^۵، ۲۰۰۵). به عبارت دیگر افرادی که اقدام به روابط فرازنشویی می‌نمایند در نهایت دچار پشیمانی می‌گردند و در پی بازسازی رابطه با همسر خود برمی‌آیند. از طرفی نتیجه اقدام به روابط فرازنشویی از سوی یکی از زوجین، مقابله به مثل نمودن این پدیده از سوی طرف مقابل می باشد، به طوری که کارشناسان مسائل اجتماعی متذکر شده‌اند که، متأسفانه روابط فرازنشویی به همسر اگر چه اکثراً از سوی زوج آغاز می‌شود، در سالهای اخیر به دلایلی این

۱. Plate

۲. Nalbone

۳. Casanova

۴. Wetchler

۵. Vincent Egan

مسئله از سوی زوجه نیز به عنوان یک عمل متقابل و به بهانه انتقام از همسر بی‌وفا و یا بر طرف کردن کمبودهای عاطفی ناشی از بی توجهی همسر به کار گرفته می شود (اقلیما، ۱۳۸۹).

www.ketab.ir